

پیام هدایت

و

طریقه‌ی شرق و غرب شناسی

دکتر علی تسلیمی



کتاب آمه

سرشناسه	: تسلیمی، علی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: پیام هدایت و نظریه‌ی شرق و غرب‌شناسی / نویسنده علی تسلیمی.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۲۰۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۳-۲۵-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: هدایت، صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰ -- نقد و تفسیر
موضوع	: هدایت، صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰. بوف کور -- نقد و تفسیر
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۳ -- تاریخ و نقد
موضوع	: خاورشناسی
موضوع	: غرب‌شناسی
موضوع	: هدایت، صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰. بوف کور. شرح
ده‌بندی ده‌گانه	: ۱۳۹۲ ت ۵۹/۸ PIR
ده‌بندی ده‌گانه یونانی	: ۶۲/۳۴۸
شماره ثبت کتابشناسی ملی	: ۳۷۷۸۵۹۱



کتاب آمه

پیام هدایت و نظریه‌ی شرق و غرب‌شناسی

نویسنده: علی تسلیمی

ویراستار فنی و زبانی: علی نصرتی سیاهمزرگ

ویراستار علمی: حسین پروانه‌ی دیر

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ نخست: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۳-۲۵-۸

لیتوگرافی: پارسیان — چاپ و صحافی: بهمن

بلوار کشاورز - تقاطع کارگر - پلاک ۳۰۸ تلفن: ۶۶۹۳۹۲۳۵ - تلفن فروش: ۶۶۴۶۲۲۸۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۳-۲۵-۸

بها: ۱۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۳	پیش‌فروش‌ها و مایه‌های نظری
۱۴	اصول‌های سبک‌خانه
۱۵	واژگونی و فلات پدید آمدن آنها
۱۵	تاریخ و بی‌تاریخی
۱۵	شرق و غرب شناسی
۱۶	ذات-تبارشناسی
۱۷	پیوند قطبی و بازی کفتمانی
۱۸	پسازمان و کمیت و کیفیت
۱۹	لذت ادبیات و پسامدرنیسم
۲۰	مکتب بوف کور
۲۱	سخن پایانی دیباچه
۲۳	فصل اول: تاریخ و بی‌تاریخی
۲۴	دوگرایش بنیادی در تاریخ
۲۷	تاریخ و روح جهان
۳۲	بیگانه از روح جهان
۳۰	تاریخ درون
۴۱	بی‌زمانی و پسازمانی
۴	بی‌تاریخی
۵۶	بی‌تاریخی همزادان
۶۱	اراده‌ی جنایت
۷۱	فصل دوم: شرق و غرب‌شناسی و تاریخ
۷۲	ویژگی‌های تاریخی بودن غرب
۷۳	روشنگری آغاز مدرنیته

۷۶	دموکراسی
۷۹	بازار جهانی و جهانی شدن
۸۶	جهانی شدن و بومی گرایی
۹۵	شرق شناسی
۱۰۲	غرب شناسی
۱۰۶	شرق و غرب شناسی
۱۱۲	گرایش به تاریخ در گفتمان تازه
۱۱۴	بومی - جهانی و جهان وطنی
۱۱۸	استعماری و پسااستعماری
۱۲۳	پژوهش های شرق و غرب شناسی
۱۲۴	پژوهش نقطه
۱۲۵	بازی گفتمان در میان گفتمانی
۱۲۶	ذات - تبیینی
۱۳۵	فصل سوم: ادبیات و مکتب های شرقی - غربی
۱۳۸	لذت ادبیات، واقعیت و باور ادبی
۱۴۳	واقعیت و مکتب های ادبی
۱۵۲	سخن پایانی در شرقی - غربی شدن و سرازیری تاریخی
۱۶۷	پیوست: آثار هدایت و پیرنگ داستان ایش
۱۶۸	داستان های بخش نخست
	۱. بوف کور ۲. سه قطره خون ۳. زنده به گور ۴. تحت ابونصر
	۵. هوسباز ۶. سامپینگ ۷. توپ مرواری ۸. بعثة الامم ۹. بلاد
	الافرنجیه ۹. حاجی آقا ۱۰. فردا ۱۱. آتش پرست ۱۲. گداز
	۱۳. تاریک خانه ۱۴. شب های ورامین ۱۵. عروسک های زنده
	۱۶. سنگ و لگد ۱۷. داوود گوز پشت ۱۸. صورتک ها ۱۹. دوام
	کرج ۲۰. اسیر فرانسوی ۲۱. کاتیا ۲۲. مادر ۲۳. آینه ی شکسته
	۲۴. بن بست ۲۵. تجلی
۱۸۵	داستان های بخش دوم

۲۶. پروین دختر ساسان ۲۷. مازیار ۲۸. آخرین لبخند ۲۹. سایه ی
مغول ۳۰. گجسته دژ ۳۱. طلب آمرزش ۳۲. مرده خورها ۳۳. حاجی
مراد ۳۴. میهن پرست ۳۵. مردی که نفسش را کشت ۳۶. زنی که
مردش را گم کرد ۳۷. محلل ۳۸. آبجی خانم ۳۹. گرداب ۴۰. داش

آکل ۴۱. لاله ۴۲. چنگال ۴۳. آب زندگی ۴۴. پدران آدم ۴۵. افسانه‌ی
آفرینش ۴۶. علویه خانم

نمایه‌ها

۱۹۷ نمایه‌ی واژگان ویژه

۱۹۹ نمایه‌ی آثار

۲۰۳ نمایه‌ی نام‌ها

www.ketab.ir

دیباچه

در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته، در انزوا می‌خورد و می‌تراشد این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد؛ زیرا هنوز مردمان بسیاری در خانه‌ها و دهکده‌های توسری خورده‌ی خود به سر می‌برند و از جهان‌های سربلند ناآگاهند و تنها با شعرها و پنداره‌ها پیش از تاریمی‌شان زندگی می‌کنند. این پنداره‌ها را نمی‌توان از میان برداشت، چون مردمان همچنان که خوب می‌خورند و خوب می‌سربلند به غریزه‌هایشان خوب پاسخ می‌دهند، شعرها و پنداره‌هایی نیز دارند با آنها زندگی می‌کنند. این پنداره‌ها و شعرها خوره‌هایی هستند که به جان بیگران می‌افتند تا زخم‌ها و دردهایشان را فراوان نمایند. بسیاری از این دردها ناشناختنی است و حتی گاهی راوی بوف کور آنها را نمی‌شناسد و می‌خواهد خودش و دردش را بشناسد تا درمانش کند، اما می‌رسد زخم‌ها تا کجای تنش ریشه دوانده‌اند.

هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰) در روزگاری زندگی کرد که سخن از آزادی، نوگرایی و مشروطیت (۱۲۸۵) است، اما پنداره‌های سیره‌ی روزگار از آن حاجی ابوتراب‌های ریاکار و کهنه‌گرایی‌ها که ریشه در باورهای شاه‌شهید دارند و اکنون آزادی‌خواه شده‌اند و دموکراسی را با برداشت‌های خود گزارش می‌کنند تا آن را نیز شاهانه رام گردانند و دموکراسی واقعی را بی‌ارج نمایند. ابوتراب‌ها در همه‌جای زندگی گذشته و اکنون به مانند سایه‌هایی در کنار زخم‌خوردگان هستند و در کالبد ضحاک تازی و بیگانگان متجاوز پس از گرفتن خانه و کدبانویش آرام نمی‌گیرند و یکسره با

خنده‌های خشک و زنده، چنان رنجورشان می‌کنند که آنان به زیر خاک رفتن را آرزو کنند. ریشخندها و خودستایی‌های ادیبان سستی و عربی‌دان ما کمتر از خنده‌های آنان نیست. اینان نیز بر ارزش‌های ملی همچنین بر نوگرایی ترک‌تازی می‌کنند و از درون با آزادی‌انده‌ای ندارند و آن را در نمی‌یابند. فاضلان ایرانی به سرمایه‌های ملی و شرقی و نیز دستاوردهای غربی دهن کجی می‌کنند و بیگانه‌وار به نوگرایان می‌تازند. همین جاست که نوگرایانی چون هدایت، بی‌امان نه تنها از استعمارگران بلکه از بیگانه‌پرستان سرزمین و خانه خود بی‌امان نمی‌مانند. در این خانه، که موریانه‌ها در و دیوار پیش‌پا نیار را از درون و درون آهسته، اما بی‌درنگ می‌تراشند، دیگر به کجی این سبب تیره می‌شود قبای ژنده را آویخت و دمی آرام گرفت؟

هدایت درمی‌یابد که این ادیبان مانند بیگانگان‌اند و نژادشان آلوده است و می‌گوید آلودگی و کیر است و تمدن ایرانی رو به نابودی می‌رود و هرچه تلاش می‌کند، درهای بسته برمی‌خورد. آنگاه، ناامیدانه از خانه دور می‌شود و به گرایش‌های ملی می‌شوید تا به جهان‌های فراخ انسانی پا گذاشت و رهایی یابد. اما افسوس که زخم‌هایش کار خود را می‌کنند و آهسته‌آهسته را در انزوای جهان زیرین می‌برند. او می‌خواهد به مردمش اشاره کند و آنها دیگرگونه ببینند، اما آنها که با فریب خو کرده‌اند و آن را بهشت و آگاهی می‌پسندند، او را چنان می‌آزارند و می‌رانند که در گوشه‌ای دور می‌نشیند و عرق سردی همه‌ی تنش را فرا می‌گیرد تا کلاغان در خنکی ملایمی به چشمان تیزبین و هم‌اکنون خسته‌اش نزدیک شوند. اما هنوز کلاغان به مرده‌اش با تردید و ترس می‌نگرند و آثار و پیامش را زنده می‌بینند و می‌دانند که خود زنده نخواهند ماند. آنها هرگز زنده نبوده‌اند و کسی سرگذشت کلاغان را نمی‌خواند.